

المنصص " دائرة المعارف در علوم فلسفی



سکینه سلمان ماهینی - مدرس

ارزنده را معرفی نماییم. به دلیل اختصار به بحث از احوال، آرا و آثار فخر رازی و کاتبی نمی‌پردازیم.^۱

یک - الملخص

الملخص یکی از آخرین آثار فخر رازی است. منزلت فخر رازی در سنت نقادی اندیشه‌های فلسفی و کلامی برکسی پوشیده نیست. او بنیانگذار اندیشه

(۱) این دو کتاب که تاکنون انتشار نیافته اخیراً به همت جمعی از دانشجویان و اساتید تصحیح و احیا شده است.

(۲) در خصوص زندگی و احوال فخر رازی و کاتبی مراجعه کنید به:

الزركان - محمد صالح: فخر الدين الرازي و آرائه الكلامية و الفلسفية، دارالفکر، بی‌تا،

دادیه - اصغر: انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۷۴.

طاهری عرافی - احمد: زندگی فخر رازی،

معارف، دوره سوم، ش ۱، ۱۳۶۵.

مدرسی گیلانی: ترجمه فلسفه ما بعدالطبیعه.

منطق ارسطو، انجمن حکمت و فلسفه، تهران،

رشر - نیکلاس: تطور المنطق العربي، ترجمه

مهران - محمد، دارالمعارف مصر، ۱۹۸۵م،

ص ۴۵۶

طرح مسأله

المنصص یکی از منابع مؤثر در تاریخ علوم عقلی در فرهنگ اسلامی است. این اثر را کاتبی قزوینی (۶۱۷-۶۷۵) منطقی، فیلسوف، ریاضی دان و متکلم زیر دست قرن هفتم در شرح یکی از آثار مهم فخرالدین رازی (۳/۵۴۴-۶۰۶ ه.ق) به نام "الملخص" پرداخته است.

متن و شرح در تاریخ منطق، فلسفه و نیز کلام اشعری جایگاه مهمی دارند.

الملخص و المباحث المشرقیة - دو اثر فخر رازی - از منابع مهم اسفار ملاحظه‌ای است. ملاحظه‌ای علاوه بر استفاده‌های مکرر از المنصص در مواضعی نیز به آن ارجاع داده است. الملخص و شرح آن - المنصص علی‌رغم اهمیت تاریخی به دلیل اینکه تاکنون بصورت منقح و مصحح منتشر نشده‌اند، عملاً از دسترس غالب محققان دور مانده‌اند. در این مقاله سعی می‌کنیم با ترسیم ویژگی‌های المنصص و بیان اهمیت آن و اشاره به تلاش والای جمعی از اساتید و دانشجویان ساعی که با برنامه گروهی از پیش تدبیر شده، به احیای متن و شرح، همت گماشته‌اند، این کتاب

چکیده:

در نوشتار حاضر به معرفی دو کتاب^۱ بسیار مهم و گرانقدر منطقی - فلسفی در تاریخ فرهنگ اسلامی پرداخته شده است:

۱- الملخص، یکی از آخرین آثار فخر رازی و ویرایش نهایی و نظام‌مند اندیشه‌های فلسفی وی که بطور مختصر و با اهداف آموزشی ارائه شده و سالیان متمادی در حوزه‌های مختلف به صورت کتاب درسی مورد توجه محققان قرار گرفته است.

۲- المنصص، تألیف کاتبی قزوینی که در واقع شرح انتقادی بر الملخص فخر می‌باشد و دارای ویژگی‌های خاص و قابل توجهی است! بویژه روش کاتبی در اتخاذ مواضع انتقادی خویش که مبتنی بر تبیین و توضیح روشن مطلب و همچنین بیان استدلالها به زبان منطقی می‌باشد و به این دلیل از جهت کاربردی و کسب مهارت منطقی بسیار سودمند و قابل توجه است.

فلسفی اشعری است. نقادی وی به صورت تخریب محض اندیشه پیشینیان نیست؛ بلکه قصد دارد از طریق مواجهه انتقادی با آرای سلف، به نظام فلسفی و کلامی مستقلی دست یابد. جستجوی وی از شروحي که بر آثار بوعلی نوشته، آغاز می‌شود و در آثاری چون "الملخص" و "المطالب العالیه" بارور می‌گردد. می‌توان این اثر را ویرایش نهایی و نظام‌مند اندیشه‌های فلسفی فخر رازی دانست.

فخر رازی در الملخص، نظام فلسفی و کلامی خویش را در چهار چوب کم و بیش سنتی اما با آرا و شیوه‌های نوین درآورده و آن را به صورت مختصر و با اهداف آموزشی ارائه می‌کند. این اثر در تاریخ علوم عقلی؛ مورد توجه محققان قرار می‌گیرد و در حوزه‌های مختلف، سالیان متمادی کتاب درسی حوزه‌ها می‌شود.

الملخص در ساختار از الاشارات بوعلی متأثر است. تصوّر غیر دقیقی از مواجهه فخر رازی با الاشارات رایج است که آن ریشه در حصر توجه محققان و مدرسان به مباحث الهیات شرح الاشارات فخر رازی دارد. اگرچه فخر رازی با بسیاری از آرای فلسفی بوعلی مخالفت می‌ورزد اما شرح او را هرگز نمی‌توان "جرح" الاشارات دانست؛ زیرا فخر رازی به دلایل ذیل شیفته اشارت بوعلی است:

۱- خطبه فخر رازی در آغاز "الانارات

فی شرح الاشارات":

و لما كان كتاب الاشارات والتنبیحات، تألیف الشیخ رئیس و ان كان صغیر الحجم الا أنه کثیر العلم، عظیم

الاسم، مستفلق النظم، مستصعب علی الفهم، مشتمل علی العجایب، منطبق علی کلام اولی الالباب، متضمن للنکت العجیبه و الفوائد الغریبه التي خلت عنها أكثر المبسوطات و لا توجد فی شیء من المطولات...

۲- تلخیص زیبای فخر از الاشارات^۱ که در آغاز الانارات به آن اشاره می‌کند:

و كنت قد صرفت طرفاً صالحاً من العمر الی تتبع فصوصه و تفهم نصوصه و استکشاف أسرار و التعمق فی أغواره أردت ان اثبت تلك الفوائد ارشاداً للطلالین الی هذا المطلب العظیم و المقصد الکریم، فصرفت عنان العنايه الی تلخیص ذلك الشرح و ترتیبه و تبویبه و تهذیبه مجتنباً عن التطویل المنتهی الی الملال و الاختصار المتعقب للاخلال.

۳- فخر در موضعی از الاشارات گزارش می‌کند که تمام فصول معنون به "اشارات" و فصول معنون به "تنبیحات" را در این اثر بدقت بررسی آماری کرده و دریافته که بوعلی تحت این عنوان دوگونه بحث را طرح کرده است: الاستقراء یدل علی أنّ الشیخ عبد فی هذا الكتاب بالاشارات عن فصول تشتمل علی أحكام تثبت بتجشم، و بالتنبیحات عن فصول یکفی فی ثبوت أحكامها النظر فی حدودها و فیما سبق من القول فیما یناسبها^۲ و این امر، نشانگر اهمیت الاشارات نزد فخر رازی است.

۴- فخر رازی منطق الاشارات را راهی

نو در منطق نگاری می‌داند و آن را می‌ستاید و همه آثار منطقی خویش از جمله منطق الملخص را به سبک آن

(منطق دو بخشی) در می‌آورد.

۵- وی در شرح منطق الاشارات

برخلاف شرح خواجه طوسی ﴿الله﴾ (۶۷۲-۵۹۵) بر این اثر، با مقایسه "اشارات" با "شفای" بوعلی و آثار پیشینیان، به نوآوری ابن سینا در طرح مسائل منطقی به دیده اهمیت می‌نگرد. او بسیاری از مسائل الاشارات مانند تعریف ذاتی و بسیاری از آرای بوعلی در مختلطات را نوآوری بوعلی می‌داند.

۶- فخر رازی الهیات الاشارات را نیز

راهی نو در الهیات نگاری می‌داند. وی در توضیح اینکه چرا بوعلی فلسفه اولی را علم ماقبل الطبیعه نامیده است، گوید: "علم الهی غالباً از حیث آموزش مسبق به طبیعیات است. اما در این اثر به دلیل اینکه بوعلی واجب تعالی و صفات او را بر اساس طبیعیات تبیین نمی‌کند، علم الهی در این کتاب به هر دو اعتبار، علم پیش از طبیعیات است."^۳

امروزه به اهمیت توجه فخر به ساختار منطقی الهیات الاشارات، بهتر می‌توان پی برد. فخر در واقع بر آن است که

(۱) این تلخیص لباب الاشارات نام دارد و مرحوم شهابی آن را در ضمیمه متن الاشارات چاپ کرده است؛ ر.ک. ابن سینا، الاشارات و التنبیحات، تصحیح محمود شهابی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹

(۲) الرازی - فخرالدین: الانارات فی شرح الاشارات، تصحیح امیر فرهبور، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات

دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۰۲-۱۰۱

(۳) الانارات، ص ۶

اشارات سرآغاز الهیات پیشین یا غیر مسبوق به یافته‌های علوم طبیعی است. الملخص از بخش‌های زیر تألیف یافته است: منطق، الهیات به معنای اعم، طبیعیات و الهیات به معنای اخص. منطق الملخص به لحاظ ساختار صوری، نخستین قدم در تدوین و تکمیل منطق دوبخشی است و در واقع صورت ابتدایی منطق دو بخشی اشارات را بصورت شکوفای این نظام منطق نگاری در قرن هفتم، منتقل کرده است.

فخر رازی در منطق، آرای خاص و مهمی دارد که غالباً توسط پیشینیان مورد شرح و نقد قرار گرفته است. یکی از نوآوری‌های فخر رازی در منطق الملخص استقلال دادن به مسائلی است که بطور پراکنده و غیر مدون مورد توجه بوعلی قرار گرفته است.

بحث از تحلیل ساختار معنایی قضیه مسوره، نمونه‌ای از این نوآوری است. بوعلی در چهار موضع اشارات، سعی در تحلیل مفاد قضیه کرده و فخر رازی آنها را تحت عنوان "فی تحقیق المعصورات" بصورت مسأله‌ای واحد درآورده است. تقسیم قضیه به خارجی و حقیقیه نیز اگر چه ملهم از بوعلی است اما نخستین بار بطور مدون در الملخص ارائه می‌گردد. فخر رازی در مختلطات نیز نوآوری‌های ارزنده‌ای ارائه کرده است.

الهیات الملخص صبغه دیگری دارد. دینداری فخر رازی او را به سنجش خرد فرامی‌خواند تا اندیشه‌های فلسفی سلف را در ترازوی وفاداری به تعالیم دینی ارزیابی کند. با چنین روی آوردی است که

بسیاری از مباحث فلسفی رایج از جمله نظریه عقول مشاء و نظریه الحق ماهیته انیته را نقد می‌کند؛ اما او متفکر سلفی گریزان از تأملات فلسفی نیست. مواجهه فخر رازی با بوعلی هرگز مواجهه غزالی با ابن سینا نیست. بلکه تا حدودی مانند مواجهه خواجه طوسی با مشاء است. فخر رازی به تأملات فلسفی روی می‌آورد تا کلام اشعری را بر پایه‌های فلسفی بنا نهد. بر این اساس است که او را بنیانگذار کلام اشعری خوانده‌اند.

نقد اندیشه‌های منطقی - فلسفی فخر رازی یکی از مباحث رایج در کتب و دروس فلسفی در قرن هفتم بوده است. نگارش شرح انتقادی بر آثار فخر در این عصر رواج فراوان دارد. نقد "المحصل" خواجه طوسی و "المنصص" کاتبی قزوینی دو نمونه از چنین نقدهایی است.

دو - المنصص

شرح انتقادی کاتبی قزوینی بر الملخص فخر رازی، تحت عنوان "المنصص" در واقع دایرةالمعارفی در علوم عقلی است. کاتبی با تکیه بر هوش سرشار و برخورداری از اطلاعات بسیار وسیع و نیز دقت علمی خود به شرح کتاب الملخص پرداخته است و در این امر با تمسک به آرای متقدمان و متأخران نکات مبهم کتاب را روشن می‌سازد. تا حدی که در این اثر گرانقدر می‌توان از نظریات ارسطو تا ابن سینا و از ابن سینا تا خونجی، نشان و اثری یافت که در برخی موارد هم با تنقیدی عالمانه همراه است. در اینجا به برخی از ویژگی‌های المنصص

به اجمال اشاره می‌نماییم:

۱- شرح کاتبی بر الملخص از نوع "قال... أقول" است. یعنی نه مزجی است و نه بصورت "قوله... التفسیر" است. کاتبی در این شرح همه عبارات الملخص را کامل گزارش نکرده ولی مواضع ابهام را دقیقاً آورده است.

۲- این شرح، گرچه به عنوان یک شرح انتقادی شناخته شده است اما باید توجه داشت که در درجه اول شرح توضیحی بسیار روشنی است؛ به این معنا که کاتبی همچون فیلسوفان تحلیلی، قبل از طرح ملاحظات انتقادی خود در هر مبحث ابتدا به توضیح و تبیین دقیق و روشن مراد نویسنده از طریق تعریف مفاهیم اساسی پرداخته است و قبل از بیان مقصود نویسنده در هر مطلب و انتقاد از آن، مفاهیم کلیدی و اساسی را تحلیل کرده است؛ سپس مقصود نویسنده را بر اساس این مفاهیم تحلیل شده، روشن نموده و در پایان رأی خود را مطرح کرده است. همچنین در باب ادله سعی نموده تمامی ادله نویسنده را از زبان طبیعی (عربی) به زبان منطقی در آورد و ساختار منطقی آن را نشان دهد و سپس مورد نقد و ارزیابی قرار دهد.

۳- روش کاتبی در نقد نیز قابل توجه است. وی اولاً آرای فخر را فی نفسه مورد نقد و ارزیابی قرار داده است. ثانیاً به سازگاری یا عدم سازگاری آرا با مبانی توجه داشته و اهمیت داده است. مواردی از انتقادهای درباره عدم سازگاری آرای فخر با مبانی اوست؛ و خود هنگام بحث و ارائه رأی، دقت در سازگاری آرا و

مبنای اش را داشته است. ثالثاً گاهی رأی فخر را پذیرفته اما استدلال را مخدوش دانسته است.

۴- کاتبی در شرح خود به آثار دیگر فخر بویژه "المباحث المشرقیه" نیز توجه داشته است هرچند که غالباً به آنها ارجاع نداده است.

وی به آرا و آثار دیگران نیز نظر داشته و گاهی افرادی را نام برده است از جمله استادش اثیرالدین ابهری (۵۹۷-۶۶۴هـ.ق)، خواجه تصیرالدین طوسی، ابن سینا، افلاطون، فارابی، بهمنیار و ابوالحسن اشعری و ثابت بن قره و...

چنانچه قبلاً گفته شد المنصص یک شرح انتقادی است؛ یعنی کاتبی، اندیشمندی نبوده است که سخن دانشمندان دیگر را بدون دقت بپذیرد بلکه او در مواضع زیادی انتقادهای در خور توجه از موضوعات مختلف علمی ارائه می‌دهد؛ از این رو شرح وی بر الملخص فخر یک شرح انتقادی محسوب می‌گردد. در اینجا به برخی از مواضع انتقادی کاتبی، به تفکیک موضوع و به اختصار اشاره می‌شود:

الف) بخش منطق

در بخش منطق المنصص، کاتبی بیش از صد انتقاد را مطرح می‌نماید که در اینجا به چند مورد اشاره می‌گردد:

۱- فخر رازی "تصدیق" را مرکب می‌داند و برای تحقق ماهیت تصدیق، تحقق تصورات سه‌گانه (حکم، محکوم به، محکوم علیه) را لازم می‌داند و بر این رأی خود چنین استدلال می‌آورد:
- اگر یکی از تصورات سه‌گانه حاصل

نباشد حکم بین طرفین ممتنع است.
- هرگاه حکم بین طرفین ممتنع باشد، تصدیقی حاصل نمی‌شود.

۲/ هرگاه یکی از تصورات سه‌گانه حاصل نباشد تصدیقی حاصل نمی‌شود. و اگر ما نتیجه قیاس فوق را که یک قضیه شرطیه متصله است، عکس نقیض کنیم قضیه زیر به دست می‌آید: هرگاه تصدیقی حاصل شود، هر یک از تصورات سه‌گانه حاصل می‌شود.

کاتبی در انتقاد از استدلال فوق می‌گوید: مقدمه دوم اعم از نتیجه است؛ زیرا ممکن است تصورات سه‌گانه لازم بیرونی باشد نه مقوم ذاتی ولی فخر این برهان را برای داخل بودن این تصورات در ماهیت تصدیق ذکر می‌کند. در واقع فخر دچار مغالطه اخذ مالیس بعله عله شده است.

۲- کاتبی به بیان فخر رازی درباره تقسیم لفظ مفرد و مرکب انتقاد کرده و بیان جدیدی در این خصوص ارائه می‌کند.
۳- کاتبی در بخش مسوچها و مختلطات بطور مفصل بحث نموده و جداول کاملی در این خصوص ارائه نموده است همچنین بسیاری از انتقادهای وی در مسائل این بخش از منطق است که به یک مورد اشاره می‌کنیم:

فخر رازی معتقد است که نتیجه صغرای عرفیه عامه با عرفیه عامه، عرفیه عامه است و چنین دلیل می‌آورد که اوسط دائم الثبوت به دوام وصف یکی از طرفین و دائم السلب به دوام وصف دیگر است بدون اینکه دوام در سلب و ایجاب، ضروری باشد. و این به مقتضای آن است که

دوام مابینت، مابین وصف اصغر و وصف اکبر باشد. کاتبی در این مورد انتقاد می‌نماید و با دو دلیل انتقاد خود را اثبات می‌کند.

ب) بخش الهیات

در بخش الهیات نیز کاتبی انتقادهای فراوانی مطرح می‌نماید که در اینجا به دلیل اختصار از ذکر آنها خودداری می‌نمایم و تنها به یک نکته بسیار مهم اشاره می‌کنیم.

همانطور که می‌دانیم یکی از مباحث بسیار مهم در الهیات، بحث صفات خداوند است و اینکه آیا معنای صفات خداوند با همان صفات در انسانها یکی است یا نه؟ به عبارت دیگر آیا صفات بین انسانها و باری تعالی مشترک لفظی اند یا نه؟ همچنین اشاعره را قائل به مشترک لفظی بودن صفات می‌دانند در حالی که مأخذ این دیدگاه روشن نبوده است. مبنای این اعتقاد به مشترک لفظی دانستن وجود برمی‌گردد که کاتبی بخوبی آن را تبیین نموده است. به عبارت دیگر کاتبی نشان داده است که با اتخاذ یک رأی همچون مشترک لفظی دانستن وجود کل نظام فلسفی و الهیات از آن متأثر شده و این رأی چون مبنایی در سایر مسائل و اتخاذ مواضع در موارد دیگر تأثیر خواهد گذاشت.

سه - تصحیح المنصص

امروزه ضرورت احیای آثار خطی پیشینیان و معرفی آن به محققان، مورد تردید نیست چرا که احیای چنین آثاری امکان برخوردار از میراث گرانبهای و ادامه در صفحه ۲۴.